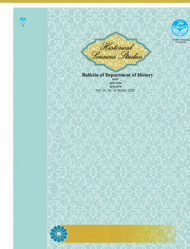




## Journal of Historical Sciences Studies (JHSS)



### Research Paper

doi 10.22059/JHSS.2023.355954.473626

## The Historical Identity of the Medes or Cimmerians; Manda in the First Millennium BCE

Sorena Firouzi<sup>1,\*</sup>, Muhammad Amin Saadat Mehr<sup>2</sup>

1. Corresponding author, PhD Candidate of Mazandaran University, Mazandaran, Iran. E-Mail: [sorena.firouzi@gmail.com](mailto:sorena.firouzi@gmail.com)
2. PhD Candidate of Department of Archeology of Mazandaran University, Mazandaran, Iran. E-Mail: [ma.saadatmehr@gmail.com](mailto:ma.saadatmehr@gmail.com)

### Article Info.

Received: 2023/02/25

Accepted: 2023/05/27

### Keywords:

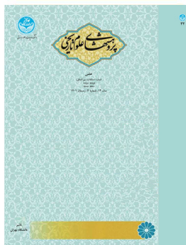
*Cimmerian, Scythian, Medes, Umman-manda, ERIN-manda, Assyria.*

### Abstract

In the first half of the first millennium BCE, the invasion to Manai, Urartu, Media, and Assyria by two large military forces was one of the most significant events in the West Asian region. This invasion is reflected in both the inscriptions of the Assyrian court and the texts of later Greek authors. This is significant because with the arrival of these emerging groups, new cultural materials infiltrated the conquered territory, and the previously established border equations were disrupted. Concerns have been expressed regarding the population from which these invaders originated, their ethnicity, and their cultural background. While examining these aspects, leading research also addresses where Assyrian cognition and later Persian descriptions of Gimeri/Cimmerian identity originated and how they were created. The present study shows that the two terms “umman-man-da / ma-an-da / man-du” and “ÉRIM/N-man-da / ma-an-da / man-du” in the first millennium BC, in particular, carry both the Medes identity and the prevailing mentality among the kings and court scribes, its expression was specific to the Medes, which, of course, along with them, other forms and sounds have also been used in the mentioned texts. The fact that the name manda was first applied to the land of the Medes in the mentioned millennium is a fundamental point that is discussed in this article.

**How To Cite:** Firouzi, S., & Saadat Mehr, M. A. (2023). The Historical Identity of the Medes or Cimmerians; Manda in the First Millennium BC. *Journal of Historical Sciences Studies*, 15(1), 127-153.

**Publisher:** University of Tehran Press.



# فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی

سال ۱۵، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۳۳



مقاله علمی-پژوهشی

## هویت‌های مادی و گیمیری در هزارهٔ یکم پیش از میلاد؛ مند و یک بازنگری

سورنا فیروزی<sup>۱\*</sup>، محمد امین سعادت‌مهر<sup>۲</sup>

۱. نویسندهٔ مسئول، دانشجوی دکتری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. رایانامه: [sorena.firouzi@gmail.com](mailto:sorena.firouzi@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. رایانامه: [ma.saadatmehr@gmail.com](mailto:ma.saadatmehr@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶	<p>تاختن دو نیروی پرجمعیت نظامی به سرزمین‌های مانئا، اورارتو، ماد و آشور، یکی از رخداد‌های مهم منطقهٔ آسیای غربی در نیمهٔ نخست هزارهٔ یکم پیش از میلاد است که بازتاب آن، هم در نوشته‌های هم‌زمان با آن آشوریان دیده می‌شود و هم در نوشته‌های بعدی نویسندگان یونانی‌زبان. اینکه این مردمان از چه جمعیتی و با چه تباری بوده‌اند، موضوعاتی است که به آن‌ها پرداخته شده است. پژوهش پیش‌رو ضمن بررسی این نکته‌ها، به این مسئله می‌پردازد که شناخت آشوری‌ها و بعدها توصیف پارسیان از هویت گیمیری برآمده از چه نگرشی بوده و بر چه پایه‌هایی ایجاد شده‌اند. مطالعهٔ کنونی نشان می‌دهد دو اصطلاح «اوْمَن-مَند/ ماند/ مَندو» و «ارین-مَند/ ماند/ مَندو» در هزارهٔ نخست پیش از میلاد، به‌طور ویژه هم حامل نام تباری مادی‌ها و هم ذهنیت حاکم نزد شاهان و کاتبان درباری بوده است، همچنین هدف از بیان آن، خطاب‌کردن اختصاصی مادی‌ها بوده که البته در کنار آن‌ها، صورت‌ها و آوای دیگر نیز در متون به کار رفته است. اینکه در هزارهٔ یادشده، نام مَند برای نخستین بار برای سرزمین مادی‌ها به کار برده شده، نکتهٔ بنیادینی است که از آن یاد شده است. این مقاله نشان می‌دهد توصیف دو فرمانروای گیمیری در متون اسرحدون و آشوربانیپال با نام یادشده، نه به‌منظور تعلق آنان به جمعیت مَند، بلکه اولاً در سطح فرهنگ آشوری ندانستن فرهنگ جمعیت‌های غرب فلات و دوم، انتساب نامشان به برخی از دشمنان برای تحقیرشان بوده است. این مسئله، هم برای نام آن نام‌ها و هم برای نام گوتی بارها دیده شده است.</p>
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶	
واژه‌های کلیدی: آشور، اوْمَن-مَند، ارین-مَند، گیمیری، ماد.	
استناد به این مقاله: فیروزی، سورنا، و سعادت‌مهر، محمد امین (۱۴۰۲). هویت‌های مادی و گیمیری در هزارهٔ یکم پیش از میلاد؛ مند و یک بازنگری. فصلنامهٔ پژوهش‌های علوم تاریخی، (۱)۱۵، ۱۲۷-۱۵۳.	
ناشر: مؤسسهٔ انتشارات دانشگاه تهران.	

## ۱. مقدمه

برهم‌کنش فرهنگ‌های ساکنان غرب و شمال غرب فلات ایران با فرهنگ‌های نزدیک به نوآشوری و بابل در نیمه نخست از هزاره یکم پیش از میلاد، منتج به یک پایداری در یکجانشین شدن مردمان منطقه شده بود. در عصر فرمانروایی اسرحدون (۶۶۹-۶۸۰ پ.م.) و پسر او آشوربانیپال (۶۳۱-۶۶۸ پ.م.)، یعنی روزگاری که مورد نظر محتوای این مقاله است، از یک سو دربار قدرتمند اورارتو یا  $^{KUR}URU/^{KUR}ur-ár-ti$  (Leichty, 2011: 85; Novotny & Jeffers, 2018: 65) به همراه ماننا  $^{KUR}man-na-a-a$  (Leichty, 2011: 18; Novotny & Jeffers, 2018: 63) راه حدود جنوبی قفقاز را بر کوچ‌روهای آن سرزمین بسته بودند و از سوی دیگر، سکونتگاه‌های گسترده مادی در مرکز فلات ایران و زاگرس مرکزی، گونه‌ای از ثبات و آرامش را برقرار ساخته بودند؛ البته آرامشی که هر از گاهی یکی از همین زورمندان آشوری و اورارتویی بر هم می‌زد. اسرحدون در سال دوم از فرمانروایی خود (۶۷۹ پ.م.) بر آن می‌شود تا به شهری به نام «آرزا» (Arzâ) در نزدیکی مرزهای مصر حمله کند و آن را تاراج می‌کند. پس از آن، سپاه خود را سوی آسیای کوچک برد و با «تئوشپا» ( $^{m}te-uš-pa-a$ ) روبه‌رو شد که در چهار جا با عنوان «مرد/شاه گیمری» (LÚ.gi-mir-ra-a-a) و «یک سپاهی/نیروی مند/مندو» (ERIM.ĪI.A-man-da/man-du) یاد می‌کند (Leichty, 2011: 8, 18, 29, 37 & 42). او چنین نوشته که این شاه خانه‌اش (سرزمینش) در جایی دورافتاده است و به سپاه او (ERIM.ĪI.A-šū) در سرزمین «خوبوشن» ( $^{KUR}hu-bu-uš-na$ ) ضربه زده است. بر مبنای بند بعدی که به اسارت مردمان سرزمین کیلیکیه ( $^{KUR}hi-lak-ki$ ) و کوهنشینان حدود هیتی ( $hat-te-e$ ) اشاره کرده (ibid.: 18 & passim)، می‌توان دریافت که قلمرو تئوشپا، در قلب آسیای کوچک بوده است. نکته مهم این است که شاه آشور، کمابیش در نیمی از یادکردهای مربوطه، شاه گمیریان را با هویت دوم (سپاهی یا نظامی مند/مندو) خوانده است و چرایی آن موجب چالش‌های زیادی شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد. مشابه همین نگرش، نسبت به شاه بعدی گیمری‌ها نیز تکرار شده است؛ آن‌جا که آشوربانیپال، پسر اسرحدون، «توگدمی» ( $^{m}tug-dam-mi-i$ ) را «شاه سپاه مند» (LUGAL ERIM-man-da) خطاب می‌کند (Novotny & Jeffers, 2018: 291). اما در جاهای دیگر، از او چنین یاد نشده است.

از طرفی، این مسئله روشن است که از مادی‌ها با واژه مند، ماندو و مند یا ترکیب آن‌ها با واژگان اوْمَن و ارین/م، در ادبیات نبشته‌های شاهانه سارگن دوم آشوری دو بار و با نام «مند» (لغوی: سرزمین اهالی مند؛  $^{KUR}man-da-a-a$ ) و در کتیبه‌های نوبابلی، بارها و به صورت «اوْمَن-مند» ( $um-man-ma-an-da/umman-man-da$ ) در لوح سقوط نینوا و در سنگ یادبود بازالتی نیونئید

Gadd, 1923: 34, 35 & 36; Grayson, 1975: 94; Chronicle 3, 35 & 96: 65; Adali, )  
 در «اَرین-مَند» (ÉRIN-man-da) (2009: 192; Weiershäuser & Novotny, 2020: 62)  
 استوانه سیپر از نبوتئید (Adali, 2009: 189, 193 & 194)، «اَرین-مندو» (ÉRIN-man-du) در  
 همان سنگ یادبود و نیز در استل بابل (Adali, 2009: 193; Weiershäuser & Novotny, )  
 یاد شده است؛ مسئله‌ای که آشکارا نشان می‌دهد دست‌کم در هزاره یکم پیش از میلاد،  
 واژه‌های مَند، ماندو و مند، نه یک واژه عام، بلکه واژگانی خاص و مرتبط با نسبت تباری-قومی  
 بوده‌اند.

نام ماد در اشاره‌های دیگر آشوریان از این قرار آمده است:

به صورت «اَمَدی» (لغوی: سرزمین اهالی اَمَد؛ <sup>KUR</sup>a-ma-da-a-a) در کتیبه‌ای از شلمانسر سوم  
 (Grayson, 1996: 68)، به صورت «مَدی» (لغوی: سرزمین اهالی مَد؛ <sup>KUR</sup>ma-da-a-a;  
<sup>KUR</sup>mada-a-a) در کتیبه‌ای از «اَدَد-ناراری» سوم، در کتیبه‌هایی از تیگلات-پیلسر سوم  
 (Grayson & Novotny, 1996: 212; Tadmor & Yamada, 2011: 32, 48, 52, 53, 72, )  
 .(84, 86, 97, 98 & passim

## ۲. هدف، فرضیه و پرسش‌ها

با توجه به توضیحاتی که در مقدمه آمد، هدف این پژوهش آن است که ضمن بررسی مفهوم  
 واژه‌های مَند، ماندو و ماند، بررسی کند که مقصود شاهان آشوری از انتساب اختصاصی و گاهی دو  
 شاه گیمری به هویت مَند/مَندو چه بوده است. از این‌رو، مقاله پیش‌رو ضمن پیگیری این فرض که  
 واژه‌های یادشده، یک نام تباری خاص بوده‌اند و نه یک صفت عام و اینکه پنداشت اخیر موجب  
 تفسیرهای نادرست در ارزیابی‌های تاریخی و حتی ترجمه برخی از کتیبه‌های آشوری و بابلی مرتبط  
 با هزاره یکم پیش از میلاد شده است، به بررسی پرسش‌های زیر می‌پردازد:

۱. آیا مقصود کتیبه‌های هزاره یکم پیش از میلاد از واژگان «اومَن-مَند» و «اَرین/م مَند» و  
 مشتقات و آواهای دیگر آن‌ها، بیان یک گروه جمعیتی خاص از همسایگان خود بوده یا توصیف یک  
 صفت عام را می‌کرده است؟

۲. آیا گیمریان نسبتی با مادی‌ها داشته‌اند که از دید اسرحدون و آشوربانیپال، با نام مَند و مندو  
 خطاب شده‌اند یا این انتساب دلیل دیگری داشته است؟

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

در مطالعه کنونی با بهره‌گیری از محتوای منابع مکتوب میان‌رودانی (متون اکدی) و تحلیل‌های قیاسی و تطبیقی اطلاعات مرتبط با جای‌نام‌ها و قوم‌نام‌های مرتبط با پژوهش، به استنتاج درباره کیستی و ماهیت مردمان «مَند»، گیمیری، سکایی و مادی در نبشته‌های یادشده پرداخته می‌شود. شالوده روش این مقاله، بررسی دقیق واژگان یادشده، هم بر مبنای ترجمه و هم بر پایه نویسه‌گردانی و آوای بنیادین آن‌ها در کتیبه‌ها است.

### ۴. پیشینه پژوهش

درباره تاریخ و باستان‌شناسی شرق دجله، زاگرس مرکزی در هزاره اول و دوره ماد پژوهش‌های مهمی انجام شده است که با وجود بررسی دقیق سرگذشت سیاسی آشور و ماد و نیز جغرافیای آن مناطق و سکونتگاه‌های مرتبط با آن‌ها، به موضوع جمعیت‌شناسی و ارزیابی نام‌های جمعیتی مردمان حدود یادشده چندان پرداخته نشده است. از مهم‌ترین این پژوهش‌ها می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

دیاکونوف (ترجمه ۱۳۴۵)؛ علی‌یف (ترجمه ۱۳۸۸)؛ ملازاده و طاهری دهکردی (۱۳۹۰؛ ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴)؛ ملازاده (۱۳۹۳)؛ جلیلیان و حیدرزاده (۱۳۹۶)؛ جلیلیان (۱۴۰۰)؛ پاتس (ترجمه ۱۴۰۰)؛ Genito (1986); Postgate (1989); Diakonoff (1985); Young (1988); Sancisi-Weerdenburg (1988; 1995); Liverani (1995; 2003); Boucharlat (1998; 2011); Kienast (1999); Stronach (2003); Schmitt (2003); Jursa (2003); Henkelman (2003); Roaf (2003); Panaino (2003); Wiesehöfer (2003); Gopnik (2003; 2011; 2017); Lanfranchi (2003; 2021); Radner (2003); Rollinger (2003a; 2003b; 2005; 2009; 2010; 2011; 2020; 2021); Meier *et al.* (2004); Waters (2005); Adali (2009; 2011); Rossi (2010; 2017); Wiesehöfer *et al.* (2011); Fuchs (2011; 2023); Zawadzki (2011–2012); Gufler (2016); Matthew (2017); Degen & Rollinger (2020); Novotny (2023); Frahm (2023)

اشتُل نیز در مدخل اوْمَن-مَند (Umman-manda) به طور فشرده (Stol, 2014: 330-331) و ادلی در پژوهش‌هایی (2009; 2010; 2011) به طور کامل درباره تاریخچه ظهور این نام در متون تاریخی بحث کرده است. درباره خاستگاه و کیستی گیمریان و به طور اختصاصی نیز پژوهش‌های پرشماری صورت گرفته است و در این باره، چندین مدخل تخصصی مرتبط نیز در دانش‌نامه معتبر جهانی تعریف شده‌اند. در این آثار، گاه از مردمان یا نیروهای مَند در جایگاه یک گروه تباری ویژه یاد شده است (مانند Adali, 2009) و گاه همچون بیشتر پژوهش‌های دیگر ضمن به مفهوم وحشی دانستن معنای آن در نبشته‌های میان‌رودانی، آن را مرتبط با نام خاص یک یا چند جمعیت کهن

خاص فرض نکردند. در پژوهش پیش رو، به طور جزئی به جایگاه نام مند در نبشته‌های میان‌رودانی اشاره و هر نمونه تاریخی، ارزیابی شده است. از مهم‌ترین مطالعات پیشین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

Heubeck (1963); Terenozhkin (1976); Spalinger (1978); Fales & Lanfranchi (1981); Tokhtas'ev (1984; and 1996); Lanfranchi (1990; and 2003); Ivantchik, (1993; 2005; 2012); Adali, (2009; 2010); Xydopoulos (2015).

### ۵. گیمیری‌ها و سکاها در متون آشوری

روی هم‌رفته، نام گیمیریان در منابع گوناگون به این صورت ثبت شده است: در متون آشوری و بابلی به صورت «گمیر» (*Ga-mir*)، «گیمیر» (*Gamir-(r)a*)؛ «گیمیری» (*Gi-mir-a-a*) و «گیمیری» (*Gi-mir-ra-a-a*) (Pinches, 1913: 611; Parpola, 1970: 122-33; Leichty, 2011: 8, ) (18, 29, 37, 42, 76, 135, 155, 158, 161, 175 & 181; Novotny & Jeffers: 50, 62, 238 & 237, 146, 121, 87)، در تورات به شکل «gmr» که «گمیر» (*Gomer*) خوانده می‌شود (پیدایش، ۲:۱۰ و حزقیال، ۳۸:۶).

به علت کشته شدن سارگن دوم به دست مردمان گیمیری یا اهالی سرزمین کولوم (*Kulumma*) در یک نبرد و گم‌شدن به نوعی اهانت‌آمیز پیکر او (Tadmor, 1989: 11 & 28; ) (Leichty, 2011: 1)، جانشینان این شاه مطرح آشوری، در دل خود، کینه‌ای سخت نسبت به قاتلان این شاه گرفتند. از همین رو است که اسرحدون، بر مردمان گیمیری سخت گرفت. هم‌زمان با این رخداد، او در شرق قلمرو خود به اهالی مانئا و همچنین مردمان ماد نیز حمله‌ور شد؛ چنان‌که از خویش با لقب پراکنده‌گر مانئای‌ها یاد می‌کند. در ادامه بی‌آن‌که از هویت گوتیایی (*qu-tu-u*) نام ببرد، بلافاصله به گوتیایی‌های بی‌نظم یا پرورش‌نیافته اشاره می‌کند و این‌گونه، میان اهالی مانئا و گوتیایی‌ها تفاوتی نمی‌شناسد،<sup>۱</sup> سپس از یک رهبر سکایی با نام «ایشپکای» (*Išpakāia*) یاد کرده که در یک جا او را اهل «شهر آسگوز» (*as-gu-za-a-a*)<sup>URU</sup> و در جاهای دیگر او را متعلق به «سرزمین آسگوزی» (*ás-gu-za-a-a*)<sup>KUR</sup> دانسته است (Leichty, 2011: 18, 29, 30, 37 & ) (51).

اشاره اسرحدون همان‌طور که در رابطه با انتساب مند به گیمیری‌ها با آن‌چه سارگن دوم پیش از او و آن‌چه شاهان نوبابلی و نیز کوروش بزرگ نسبت به تعلق‌دادن این نام به مادی‌ها انجام داده‌اند

۱. کنیه Esarhaddon 1 از اسرحدون: «من مردمان مانئایی-گوتیان پرورش‌نیافته-و سپاهش (م: سپاهشان) را پراکنده کردم» (همچنین بنگرید به 15, 93, 30, 77; 3, ii 30; 2, ii 20-21; 3, ii 59; 2, ii 20-21; 3, ii 30; 77, 30; 93, 15). (Leichty, 2011: Esarhaddon 1, iii 59; 2, ii 20-21; 3, ii 30; 77, 30; 93, 15).

دارای تضاد بود، در اینجا نیز با محتوای کتیبه داریوش بزرگ در بیستون و برابر دانستن «سکا» (*sakā*) با «گیمیری» (*<sup>KUR</sup>gi-mi-ri*) (ملبرن-لابا، ۱۳۸۸: ۱۴) همخوانی ندارد. به سخن دیگر، از دید داریوش، میان سکایی و اهل گیمیری تفاوت وجود ندارد، اما از دید اسرحدون، دو گروه جدا از هم بوده‌اند. این وضعیت برای مَنَدَ نیز چنین است. اسرحدون، ماد را به‌طور ثابت و با آوای «مَدَ» (لغوی: سرزمین اهالی مَدَ؛ *<sup>KUR</sup>ma-da-a-a*) خوانده است (Leichty, 2011: 20, 32, 39, 43, 50, 155, ) (159, 162 & 176)؛ در صورتی که پسر او آشوربانیپال این از این سرزمین، با نام «سرزمین مَت» (لغوی: سرزمین اهالی مَت؛ *<sup>KUR</sup>ma-ta-a-a*) و از مردمان آن به‌صورت «*mad-aa*» اسم برده است (413 & 170, 125, 89, 65). (ibid.: 65, 89, 125, 170 & 413). کاتب داریوش بزرگ در نسخه اکدی کتیبه بیستون، از صورت موجود در کتیبه‌های سناخریب برای بیان نام ماد (*<sup>KUR</sup>ma-da-a-a*) بهره برده است (ملبرن-لابا، ۱۳۸۸: ۱۴، ۱۶ و غیره). این در حالی است که کاتب استوانه کوروش بزرگ، از آوای رایج روزگار نوبابی (*Um-man-man-da*) برای وصف مادی‌ها استفاده کرده است (Rogers, 1914: 381; Adali, 2009: 211 13).

درباره پیشینه به‌کار رفتن واژگان مَنَدَ، ماندَ، ماندو و مَندو، اشاره اسناد به ربع آخر هزاره سوم (بگرید به ادامه) و کهنگی مدارک به اواخر این هزاره (متن YOS 10 44 53 و به‌صورت *Um-ma-an-ma-ad-da*) می‌رسد. در دو رونوشت از متنی موسوم به «افسانه کوت» (*Cuthean/Kutha legend*) با شناسه‌های *H Tupsinaa* (به همراه متن دیگری به نام *kBo 3*) و *SB Tupsinaa* که به ترتیب متعلق به نیمه نخست سده چهاردهم پیش از میلاد و روزگار آشوربانیپال هستند، از این موارد یاد شده است: الف) حمله «سپاه مَنَدَ» (*ÉRÍN-man-da*) به سوپرتو و کشتار مردمان آن؛ ب) حمله آن‌ها به گوتیوم (بلندی‌های زاگرس واقع در شرق میان‌رودان) و آشفتن آن؛ پ) رسیدن این سپاه به ایلام و آشفتن آن؛ ت) رسیدن به جلگه و کشتار هر آن که رهگذر بود؛ ث) کشتار در دیلمون، مگن و ملوخ واقع در دریای پایین از سوی آنان؛ ج) پیوستن ۱۷ شاه به آن‌ها و به ۹۰ هزار تن رسیدن قوای ایشان و ح) آغاز ایستادگی نرام-سین در برابر این مهاجمان (Adali, 2009: 228-230, 232-240, 245-251; Zawadzki, 2011-2012: 276; Hennerbichler, 2014: 194). تاریخی که این متون از آن صحبت می‌کنند، بازه زمانی ۲۲۱۸-۲۲۵۴ پ.م. است. البته منشأ این حرکت، «شوبت-انلیل» (تل لیلان امروزی در شمال شرقی سوریه) گزارش شده است، اما این مسئله الزاماً به معنای خاستگاه تباری آنان نیست.

به‌طور جالبی میان اطلاعات دو متن یادشده، با دو گزارش مستقل از هم دیودور به نقل از کتسیاس (Diodorus, II:1-2) و یوسیوس به نقل از الکساندر پلی‌هیستور (Eusebius, )

24-25) هم‌خوانی برقرار است. در گزارش یوسیبوس این‌طور آمده که ۱۵۴۱ سال پیش از آغاز سلطنت سناخریب آشوری (۷۰۵ پ.م.)، یک گروه مادی به‌سوی بابل حمله کردند. سپس بدون ذکر نام، از سلطنت هشت شاه مادی در منطقه (زاگرس غربی؟) یاد کرده و طول مدت فرمانروایی این ۸ تن را روی هم ۲۲۴ سال بیان می‌کند (ibid.: 24-26). با برشمردن این سال‌ها برمبنای سال بر تخت نشستن سناخریب، سال این حمله اساطیری، ۲۲۴۶ پ.م. محاسبه می‌شود که درست منطبق بر روزگار حکومت نرام-سین اکدی است (فیروزی و همکاران، ۱۴۰۰). از طرف دیگر، دیودور به نقل از کتاب *آسوریکا* از کتسیاس بیان کرده است که میان یک شاه که او را مادی خوانده و یک شخص دیگر که او را آشوری معرفی کرده است، در سرآغاز حکومت این شاه آشوری (سال یکم او) نبردی رخ داده است که سرانجام آن اسارت و مرگ فرمانروای مادی شد. برمبنای سیاههٔ جانشینان این شاه آشوری و سال‌شمار حکومت آن‌ها، تا سال پایانی آخرین شاه در این سیاهه (سال ۴۰ پیش از المپیک اول یونانیان برابر ۸۱۶ پ.م.)، تاریخ آن نبرد یادشده، ۱۲۰۶ سال پیش از این زمان (Diodorus, II: 2-26; Eusebius, *Chronicle*: 64-67) یعنی برابر با سال ۲۰۲۲ پ.م. محاسبه می‌شود. نکتهٔ مهم این مسئله آن است که میان مرگ این شاه اساطیری مادی در گزارش دیودور به نقل از کتسیاس و زمان حملهٔ شاه مادی (سال نخست از نخستین شخص در میان ۸ تن یادشده) در نوشتهٔ یوسیبوس به نقل از الکساندر پلی‌هیستور، دقیقاً ۲۲۴ سالی است که پیش‌تر از آن یاد شد. به سخن دیگر، میان محتوای دو اسطورهٔ مطرح‌شده از سوی دیودور و اوسیبوس و رونوشت‌های مرتبط با افسانهٔ کوت (حملهٔ اوْمَن-مَنَدَ به همسایگان شمالی و شرقی اکد و سپس قلمرو اکد در روزگار نرام-سین) یک ارتباط مستحکم زمانی و توصیفی برقرار است. درنهایت اینکه این امر قابل‌اثبات نیست که جمعیت اوْمَن-مَنَدَ یا اِرین-مَنَدَ مرتبط با هزارهٔ سوم و دوم پیش از میلاد، ارتباطی نیا-نواده‌ای با مادی‌های توصیف شده با این دو اصطلاح و مشتقات آن در متون آشوری، بابلی و استوانهٔ کوروش بزرگ داشته باشد، اما آنچه واضح است، این است که دست‌کم از هزارهٔ یکم پیش از میلاد و نزد ذهنیت نویسندگان متون غیردرباری مختلف، آن دو اصطلاح در متون اکدی، در درجهٔ نخست، با ماد برابر دانسته می‌شد و نه با جمعیت دیگری. البته ذکر این مطلب دربارهٔ تبار مردمان اوْمَن-مَنَدَ (اِرین-مَنَدَ) قبل از هزارهٔ یکم پیش از میلاد نیز شایسته است که نام برجای‌مانده از یک شاه متعلق به آن‌ها به نام زالوت/دیش (*Za-a-lu-d/ti-iš*) که در یک متن هیتیایی (*KBo 7 14 14*) و احتمالاً متعلق به سدهٔ هفدهم پیش از میلاد که هندواروپایی شناخته شده است (ibid.: 3, 37, 112, 240-242)، به شناخت بهتر این مردمان کمک می‌کند.



### ۶. کیستی سکا‌های مهاجم به آشور و ماد

چنان‌که پیش‌تر نیز گفته شد، به نام سکاها در نوشته‌های اسرحدون و آشوربانیپال به دو صورت -*ás* Ivantchik, 1996: 185-86, 212-16, 218-) و *gu-za-a-a* و *iš-ku-za(-a-a)* اشاره شده است (Leichty, 2011: 18, 29, 30, 37 & 51; 221, 224-26). در نسخه پارسی قدیم، *sakā* در رونوشت بابلی بیستون، همان‌طور که گفته شد، گیمیری و در رونوشت ایلامی بیستون نیز این نام به صورت *šá-ak-ka* (سوزینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۶؛ علی‌یاری، ۱۳۹۴: ۱۰۳) آمده است که اگر تفسیر گرشویچ (Gershevitch, 1969: 229) که آن را برگرفته از نام مادی جانور سگ در نظر نگیریم، در الواحی چون PF 1340: 3, PF 1970: 19, PF 1987: 56, PF 6: 3, PFNN 6: 3, PFNN 12: 2, 2270: 2, 12 و نمونه‌های دیگر، به نام این جمعیت با آوای ایلامی روزگار هخامنشی نیز اشاره شده است (Tavernier, 2007: 62). در تورات این نام به صورت «آشکوز» (*škwz*) (پیدایش، ۳:۱۰؛ تواریخ ۱، ۱:۶؛ ارمیا، ۲۷:۵۱) و در عمده متون یونانی، شکل نگارشی آن به صورت Σκύθαι (Herodotus, IV: 1-3) و با آوای «اسکوئای» ثبت شده است.

فان ویندکن بر مبنای واژه مادی -*spaka*\* که به معنی سگ است، *Saka-* را به همین مفهوم معرفی می‌کند (Van Windekens, 1949: 99-100) که البته شمرنی با آن مخالف است و نامیدن یک قبیله با چنین اسمی را منطقی نمی‌داند (Szemerényi 1951: 211). از دید محقق اخیر، واژه «سکا» از ریشه آغاز ایرانی -*sak*\* و به معنای حرکت کردن و رفتن است، او واژه‌های اوستایی -*sak* (گذر کردن)، پارسی قدیم *Oakatd* (به‌انجام‌رسانده) را از همین ریشه می‌داند (Szemerényi, 1951: 212; 1980: 44-45). روی هم رفته، معنای نام این جمعیت، «عشایر کوچ‌رو» است. بیلی و گلسر در نظری متفاوت بیان کرده‌اند که نام سکا برگرفته از -*sak*\* به مفهوم نیرومندبودن و ماهر بودن و هم‌ریشه با «Mica» (به‌آسانی انجام‌شدن) در هندی کهن است (Bailey, 1958: 133; Glaesser 1976: 269).

اشاره پیش‌تر یادشده اسرحدون به سکاها، کهن‌ترین مستند مکتوب از حضور این مردمان در منطقه آسیای غربی است. زمان این واقعه (۶۷۹ پ.م.)، اندکی بیش از نیم قرن پیش از آن حمله مهم و معروف سکاها است (۶۲۵ یا ۶۲۴ پ.م.) که به دنبال کیمریان وارد ماد شدند. به این حمله کتسیاس نیز اشاره کرده است (Diodorus, II: 34).

### ۷. خاستگاه گیمیری‌ها

نخستین ردی که از گیمریان در تاریخ وجود دارد، اشاره هومر (سده هشتم پیش از میلاد) به آن‌ها است. در کتاب یازدهم مجموعه ادیسه در این باره آمده است: «سپس، هنگامی که به کرانه دریا فرود

آمدیم، کشتی خود را به داخل آب کشیدیم و دکل و بادبان‌های او را به داخل او بردیم. ما نیز گوسپندان را سوار کردیم و با گریه و ناراحتی شدید، جای خود را گرفتیم. سیرس [Κίρκη]، آن خدای بانوی بزرگ و حيله‌گر، باد مناسبی را برای ما فرستاد که از پشت می‌وزد و پیوسته در کنار ما ایستاده بود و بادبان‌هایمان را همیشه پر [باز] نگه می‌داشتیم؛ بنابراین ما هر کاری که می‌خواستیم، با وسایل کشتی انجام دادیم و درحالی که باد و سکاندار او را هدایت می‌کردند، او را رها کردیم. در تمام روز بادبان‌های او پر [باز] بود؛ در حالی که مسیر خود را بر فراز دریا حفظ می‌کرد، اما هنگامی که خورشید غروب کرد و تاریکی سراسر زمین را فراگرفت، ما به آب‌های ژرفین رودخانه اقیانوس، جایی که سرزمین و شهر گیمریایی‌ها [Κιμμεριοι] قرار دارد، رسیدیم. آنان که در مه و تاریکی زندگی می‌کنند که پرتوهای خورشید هرگز نه در طلوع آن و نه هنگام غروب، دوباره از آسمان، آن را سوراخ نمی‌کنند، اما [آن] بدبختان بیچاره در یک شب طولانی آزاردهنده زندگی می‌کنند. آن هنگام که به آنجا رسیدیم، کشتی را کنار زدیم، گوسپندان را از آن بیرون آوردیم و در کنار آب‌های اقیانوس رفتیم تا به جایی رسیدیم که سیرس به ما گفته بود» (Homer, *Odyssey*: XI/14-19).

آن‌چه هومر درباره آن نشانی داده است، در حدود دریاچه اُورنوس (Avernus) واقع در ایتالیا می‌شود، اما چنان‌که آشکار است، چنین چیزی با آن حضور کوتاه‌مدت بعدی در آسیای کوچک همخوانی ندارد. به سخن دیگر، پیش از آنکه سارگن دوم آشوری در اواخر سده هشتم پیش از میلاد و پس از او اسرحدون در اوایل سده بعدی، با گیمریان در آسیای کوچک درگیر شوند، این مردمان نمی‌توانستند از سرحدات این سرزمین چندان دورتر بوده باشند. از همین رو است که امروزه نظر بر این است که آنان پیش از آنکه درون آسیای کوچک شوند، در کرانه‌های شمالی دریای سیاه زندگی می‌کرده‌اند. درباره علت چنان وصفی از هومر، این تفسیر وجود دارد که او آن نواحی سردسیر شمالی را در نزدیکی قلمرو هادِس (Ἅδης) خدای جهان زیرین پنداشته بود (Tokhtas'ev, *Encyclopædia Iranica*: "CIMMERIANS").

مجموع این داده‌ها نشان می‌دهد مردمان گیمری خاستگاهی بسیار دور نسبت به غرب فلات ایران داشته و تازه در اواخر سده هشتم و اوایل سده هفتم پیش از میلاد به مرزهای آشور نزدیک شده‌اند و بنابراین، نمی‌توانستند معرف جمعیت اوْمَن-مَنْد یا اِرین-مَنْد در هزاره دوم و سوم پیش از میلاد به شمار آیند، بلکه این نام عاریتی منتسب به آن‌ها از روی جمعیتی دیگر بوده است.

هرودوت، خاک نخستین آنچه او مردمان کیمیری (Κιμμερικός) می‌نامد، در حدود جایی دانسته است که امروزه رود دنیپتر (در اوکراین) واقع است و گفته است این همان حدودی است که به روزگار هرودوت، سکاها سکنی گزیده‌اند. در حقیقت، با پیشروی سکاها به سرزمین یادشده، بخشی از

مردمان کیمیری/گیمیری به آسیا گریختند که البته سکاها نیز آن‌ها را دنبال کردند و سرانجام، پس از گم کردن کیمیریان، به سرزمین ماد رسیدند (Herodotus, IV: 1, 11-13). این مسئله آشکارا نشان می‌دهد اولاً خاستگاه مردمان گیمیری، همان حدود شمالی دریای سیاه بوده است و دوم اینکه اگر هم طبق نظر داریوش بزرگ، ارتباطی تباری-جمعیتی میان این مردمان و سکاها فرض شود، دست‌کم میان آن گروه از سکاها که داریوش آنان را «سکاهای فرادریا» (*sakā paradraya*) خوانده است (شارپ، ۱۳۸۴: ۸۵؛ Kent, 1950: 137) و گیمیریان، این ارتباط برقرار نبوده و هر دو موجودیتی مستقل از هم داشته‌اند.

### ۸. مند/مَندو و تحلیل آن در متون اسرحدون و آشوربانیپال

در اینجا نوبت آن است که به چرایی انتساب نام هویتی مَند و مَندو از سوی دو شاه آشوری یادشده به فرمانروایان گیمیری پرداخته شود. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، اسرحدون و آشوربانیپال، مادی‌ها را با واژه «مَند» و «مَندو» آن خطاب نکرده‌اند، اما در بعضی جاه‌ها، تئوشپا و توگدمی، سران گیمیری را به این نام خوانده‌اند. اما باید در نظر داشت که چنین انتساب‌های ظاهراً نابجایی در موارد دیگری نیز مشاهده شده است که از این قرار است:

(۱) اسرحدون به مانایی‌ها، گوتیایی‌های نامنظم (*qu-tu-u/ú la sa-an-qu*) یا تربیت‌نشده گفته شده است (بنگرید به مقدمه).

(۲) آشوربانیپال به همین توگدمی که یک‌جا او را «شاه سپاه مَند» (*LUGAL ERIM-man-*) خوانده بود (بنگرید به مقدمه)، در جای دیگر او را «شاه ساکنان کوهستان» (*LUGAL šad-*) و «گوتیایی گستاخ» (*da-a-a-ú*) و «گوتیایی گستاخ» (*gu-tu-um.KImuš-tar-[hu]*) معرفی می‌کند (Novotny & Jeffers, 2018: 309) و در چند جای دیگر که به‌وضوح به جهت تحقیر است، او را شاه بدویان کوچ‌رو (*LUGAL NUMUN hal-ga-ti-i*) می‌خواند (ibid.: 227, 291 & 309) که این انتساب، گاهی بلافاصله پس از مَند خواندن شاه گیمیری بیان شده است (ibid.: 291).

در هر دو مورد واضح است که دو شاه آشوری، با وجود تفاوت قائل شدن میان هویت‌های مانایی، گوتیایی و گیمیری (گیمیریایی)، باز آن‌ها را به نام دیگری خوانده‌اند و در این میان، هویت جمعیت‌های دیگری چون اهالی کوهستان نیز به‌کار گرفته شده است. نکته اساسی اینجا است که برخلاف تفسیری که به‌علت استفاده از نام مَند و آواها و مشتقات دیگر آن برای گیمیریان مطرح شده و مطابق با آن تفسیرها مَند را مختص ماد نمی‌دانند، چنین ادعایی برای موارد گوتی و اهالی کوهستان صورت نگرفته است. به سخن دیگر، کسانی که واژه مَند را نه یک نام خاص (یک تبار یا جمعیت) بلکه دارای مفهوم عام می‌پندارند، به هیچ وجه همین برداشت را برای هویت گوتی و هویت اهالی

کوهستان در نظر نمی‌گیرند که همین موضوع، چالشی برای ادعای مذکور محسوب می‌شود. گفتنی است که در یک لوح مرتبط با پیشگویی به روزگار آشوربانیپال نیز از گیمیری‌ها یاد شده است (Pritchard, 1969: 451).

در مجموع، آنچه نویسندگان این مقاله به‌منظور بیان علت چنین خطاب‌شدن‌های قومی جایگزین از سوی آشوریان مطرح می‌کنند، یکی از حالت‌های پیش‌رو است:

۱. شاه آشوری برای تحقیر بیشتر قوم مورد نظر خود، نام یک قوم کهن و از دیگر همسایگان خود را به آن می‌داد تا فرهنگ و جایگاه سطح پایین آن جمعیت هدف را در حد و اندازه فرهنگ جمعیتی که کم‌ارزش می‌پنداشت، جلوه دهد. از این‌رو، گوتی و مند، به عنوان دو هویت بیگانه کهن و مجاور آشور، ابزار واژه‌ای به‌کاررفته در این سیاست بوده‌اند و همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، شاه‌بودی‌خواندن فرمانروای گیمیریان در کنار دیگر انتساب‌های یادشده، به روشنی مقصود کوچک‌سازی دشمن از سوی شاه آشور را نشان می‌دهد. نکته مهم این است که ماهیت این موضوع، یعنی مند خطاب‌شدن مردمان دیگر از سوی شاه آشور برای تحقیر، با تفسیر محققان امروزی بر پنداشت یک صفت عام توهین‌آمیز از او من - مند کاملاً متفاوت است. در وضعیت نخست، فرمانروای آشوری با درنظرگرفتن موجودیت یک جمعیت خاص با نام مند، صفات آن جمعیت را که مورد پسند فرهنگ آشوری نبوده برای تحقیر جمعیتی دیگر به کار برده است، اما در حالت دوم، پژوهشگر امروزی منکر هسته تاریخی یک جمعیت خاص به نام مند شده است؛

۲. شاه آشوری از نظر مؤلفه‌های مختلف جمعیتی مانند ظاهر، جامه، زبان و فرهنگ، میان آن جمعیت هدف و جمعیتی که نامش، بر جمعیت هدف نهاده شده بود، تفاوتی نمی‌دید و از همین رو، مانایی را گوتیایی می‌دید و گیمیری را مند و گوتیایی؛

۳. شاه آشوری، از آگاهی جمعیت‌شناسی درستی برخوردار نبود که البته ضعیف‌ترین حالت ممکن است.

از طرفی اینکه داریوش بزرگ نیز میان سکاییان و گیمیری‌ها تفاوتی قائل نبود و این مسئله ارتباطی به تحقیرکردن (علت ۱) ندارد، احتمالاً نظر دوم، یعنی مشابهت‌های جمعیتی، دلیل چنین انتساب‌هایی بوده است. برای درک بهتر از گاه‌نگاری مستندات مکتوب مرتبط با گیمیریان و سکاها و محتوای آن منابع، در ادامه جدول ۱ ترسیم می‌شود.

## ۹. کتیبه خشایارشا

در دنباله ادبیات مردم‌شناسی و جغرافیاشناسی داریوش بزرگ، پسر او خشایارشا یکم نیز از سکاها با نام گیمیری یاد می‌کند و هر دو گروه «سکاهای هوم‌نوش» و «سکاهای تیزخود» را با نام گیمیری‌های هوم‌نوش و تیزخود خطاب کرده است (Pritchard, 1969: 316).

جدول ۱. برجسته‌ترین نمونه‌های روند نام‌بردن از مادی‌ها و گیمیری‌ها با واژه‌های مَندَ، مَندو و مانَد و روند اشاره به نام سکاها در متون میان‌رودانی و پارسی قدیم (از روزگار سارگن دوم تا کتیبه داریوش بزرگ در بیستون)

نام جمعیت-سرزمین و نام فرد	نام در منبع	نام منبع و زمان آن
<b>روزگار سارگن دوم آشوری (۷۰۵-۷۲۱ پ.م.)</b>		
مادی	سرزمین مَندیا (سرزمین اهالی مَند؛ دو بار و نخستین اشاره در هزاره یکم پیش از میلاد) KUR <i>man-da-a-a</i>	روزگار سارگن دوم آشوری (Frame, 2021: 68 & 93)
یک نام فردی (Anthroponymy) در گستره ماد و شهر <i>ki-si-la-h/ha</i>	اوزو-مانَد <i>Ú-zu-ma-an-da</i>	نامه به خدای آشور (بازگویی رخدادهای مرتبط با لشگرکشی هشتم سارگن دوم آشوری) / ۷۱۴ پ.م. (Luckenbill, 1927: 73 & 76; Zadok, 2002: 115 & 117)
<b>روزگار سنخاریب (۶۸۱-۷۰۴ پ.م.)</b>		
مادی	سرزمین مَدی (سرزمین اهالی مَد) KUR <i>mad-da-a-a</i>	نیشته ۴۶ (17) / اوایل ۶۹۳-اواخر ۶۹۴ پ.م. (Grayson & Novotny, 2014: 75 & 79)
مادی	سرزمین مَدی (سرزمین اهالی مَد) KUR <i>mad-da-a-a</i>	نیشته ۱۴۰ (14) / یک رونوشت از نیشته‌ای که مربوط به سال ۶۹۹ پ.م بوده است، ولی این رونوشت، مرتبط به پس از آن است. (Grayson & Novotny, 2014: 180-181 & 183)
<b>روزگار اسرحدون؛ نیشته‌های شاهانه (۶۶۹-۶۸۰ پ.م.)</b>		
گیمیری	شاه/مرد (اهل) گیمیری LU.gi-mir-ra-a-a	منشور Nin.A (iii-43) / ۶۷۹ پ.م. (Leichty, 2011: 18)
گیمیری	سپاهی (دسته) مَند ERIM.HI.A-man-da	منشور Nin.A (iii-44) / ۶۷۹ پ.م. (Leichty, 2011: 18)
سکایی	(اهل) شهر آسگوز URU <i>as-gu-za-a-a</i>	منشور Nin.A (iii-60) / ۶۷۹ پ.م. (Leichty, 2011: 18)
مادی	سرزمین (اهالی) مَد KUR <i>mad-da-a-a</i>	منشور Nin.A (iv-35, 47) / ۶۷۹ پ.م. (Leichty, 2011: 20)

نام منبع و زمان آن	نام در منبع	نام جمعیت-سرزمین و نام فرد
منشور Nin.B (ii-1) / ۶۷۶ پ.م. (Leichty, 2011: 29)	(اهل) سرزمین گیمیر KUR gi-mir-ra-a-a	گیمری
منشور Nin.B (ii-2) / ۶۷۶ پ.م. (Leichty, 2011: 29)	سپاهی (دسته) مَدَّ ERIM-man-da	گیمری
منشور Nin.B (ii-22) / ۶۷۶ پ.م. (Leichty, 2011: 30)	(اهل) سرزمین اَشکوزَ KUR áš-gu-za-a-a	سکایی
منشور Nin.B (iii-54; iv-4) / ۶۷۶ پ.م. (Leichty, 2011: 32)	سرزمین (اهالی) مَدَّ KUR mad-da-a-a	مادی
منشور Nin.C (ii-15') / پس از سال ۶۷۶ پ.م. (Leichty, 2011: 37)	[(اهل) سرزمین گیمیر] <sup>۱</sup> [KUR gi-mir-ra]-a	گیمری
منشور Nin.C (ii-15') / پس از سال ۶۷۶ پ.م. (Leichty, 2011: 37)	سپاهی (دسته) مَدَّ ERIM-man-du	گیمری
منشور Nin.C (ii-31') / پس از سال ۶۷۶ پ.م. (Leichty, 2011: 37)	[(اهل) سرزمین اَشکوزَ] [KUR] [áš-gu-za-a-a]	سکایی
منشور Nin.C (iv-6') / پس از سال ۶۷۶ پ.م. (Leichty, 2011: 39)	سرزمین (اهالی) مَدَّ KUR mad-da-a-a	مادی
منشور Nin.D (i-2') / احتمالاً پس از نگارش منشور مشابه C (Leichty, 2011: 42)	[شاه/مرد [اه] [ل] گیمیر] [LÚ.gi-mir-ra-a]-a	گیمری
منشور Nin.D (i-3') / احتمالاً پس از نگارش منشور مشابه C (Leichty, 2011: 42)	[سپاهی (دسته) مَدَّ] [ERIM-man-da]	گیمری
منشور Nin.D (iii-3') / احتمالاً پس از نگارش منشور مشابه C (Leichty, 2011: 43)	[سرزمین (اهالی) مَدَّ] [KUR mad-da-a-a]	مادی
منشور S نینوا (28') (Leichty, 2011: 50)	سرزمین (اهالی) مَدَّ KUR mad-da-a-a	مادی
قطعه A یا نبشته ۲۰ (18') (Leichty, 2011: 76)	[(اهل) سرزمین گیمیر] [KUR gi-mir-a-a]	گیمری
نبشته Aššur- Babylon E (AsBbE) (Leichty, 2011: 135)	[(اهل) سرزمین گیمیر] [KUR gi-mir-a-a]	گیمری
نبشته Kalḫu A (18) (Leichty, 2011: 155)	(اهل) سرزمین گیمیر KUR gi-mir-a-a	گیمری

نام منبع و زمان آن	نام در منبع	نام جمعیت-سرزمین و نام فرد
Leichty, 2011: (32) Kalḫu A نیشته (155)	سرزمین (اهالی) مَدَّ KUR <i>mad-da-a-a</i>	مادی
Leichty, 2011: (17) Kalḫu B نیشته (158)	[[اهل]] سرزمین گیمیر KUR <i>gi-mir-[a-a]</i>	گیمیری
Leichty, 2011: (29) Kalḫu B نیشته (159)	سرزمین (اهالی) مَدَّ KUR <i>mad-da-a-a</i>	مادی
نیشته ۷۹؛ قطعه‌ای از یک استوانه (17) / ۶۷۲ پ.م. (Leichty, 2011: 161)	[[اهل] سرزمین گیمیر] [KUR <i>gi-mir-a-a</i> ]	گیمیری
نیشته ۷۹؛ قطعه‌ای از یک استوانه (29) / ۶۷۲ پ.م. (Leichty, 2011: 162)	سرزمین (اهالی) مَدَّ KUR <i>mad-da-a-a</i>	مادی
Leichty, (8) Tarbiṣu A نیشته (2011: 175)	(اهل) گیمیر <i>gi-mir-a-a</i>	گیمیری
Leichty, (16) Tarbiṣu A نیشته (2011: 176)	سرزمین (اهالی) مَدَّ KUR <i>mad-da-a-a</i>	مادی
Leichty, 2011: (23) Mnm. B نیشته (181)	شاه/مرد (اهل) گیمیر LÚ. <i>gi-mir-ra-a-a</i>	گیمیری
<b>روزگار اسرحدون؛ پرس و جونامه‌ها (Queries) (۶۶۹-۶۸۰ پ.م.)</b>		
نیشته SAA 1 (4) (Starr, 1990: 4) نمونه‌های مشابه در SAA 18, 24, 35, 37, 39, 40, 43, 44, 45, 48, 49, 50, 51, 65, 79, 97, 142, 144, 295 & 296 (Starr, 1990: 22, 30, 40, 41, 42, 43, 48, 49, 51, 52, 53, 55, 56, 57, 58, 59, 75, 76, 89, 114, 152, 155 & 278)	شاه/مرد (اهل) گیمیر LÚ. <i>gi-mir-ra-a.a</i>	گیمیری
نیشته SAA 17 (2) (Starr, 1990: 19)	[سرزمین] [اه] [ل] [گ] [یمیر] [KUR <i>gi-mir-ra-a-[a]</i> ]	گیمیری
نیشته SAA 269 (2) (Starr, 1990: 246)	نیروهای (اهل) گیمیر LÚ.ERIM.MEŠ <i>gi-mir-ra-a-a</i>	گیمیری
نیشته SAA 41 (3, 7, r.2) (Starr, 1990: 46)	[فرمانروای شهری] [از] سرزمین (اهالی) مَدَّ LÚ. <i>ma-da-a-a 'ša'</i> [EN-URU]	مادی
نیشته SAA 43 (5, 10) (Starr, 1990: 48) نمونه‌های مشابه در SAA 44, 45, 48,	مردان/نیروهای (اهل) مَدَّ LÚ. <i>ma-da-a-a</i>	مادی

نام منبع و زمان آن	نام در منبع	نام جمعیت-سرزمین و نام فرد
49, 64, 65 (Starr, 1990: 51, 52, 53, 55, 56, 73, 75 & 76)	مردان/نیروهای (اهل) مَد LÚ.ma-da-a-a	مادی
نیشته SAA 51 (8, r. 6) Starr, ) (1990: 58 & 59 نمونه‌های مشابه در SAA 66 & 67 (Starr, 1990:77 & 78)	سرزمین (اهل) مَد KUR <sup>ma-da-a-a</sup>	مادی
نیشته SAA 62 (8, r.11') Starr, ) (1990: 68 & 69)	نیروهای (اهل) مَد LÚ.ERIM.MEŠmad-a-a	مادی
نیشته SAA 79 (8) Starr, 1990: 89) نمونه مشابه در SAA 80 (Starr, 1990: 90)	مردان [اهل] مَت LÚ.ma-ta-[a-a]	مادی
نیشته SAA 138 (10) Starr, 1990: ) (155)	(اهل) مَد Mad-a-a	مادی
نیشته SAA 20 (2, 6, r.6) Starr, ) (1990: 24 & 25)	شاه از سرزمین [ای] ایشکوز LUGAL ša <sup>KUR</sup> [i]/iš-ku-za	سکایی
نیشته SAA 23 (9) Starr, 1990: 28)	(اهل) ای [شکو] ز i[š-ku]-za-a-a	سکایی
نیشته SAA 24 (10, r.9') Starr, ) (1990: 29 & 30 نمونه مشابه در SAA 67 (Starr, 1990: 78)	[سرزمین (اهل) ایشکوز] [ <sup>KUR</sup> iš-ku-za-a-a]	سکایی
نیشته SAA 35 (4) Starr, 1990: 40) نمونه‌های مشابه در SAA 36, 37, 39, 40 & 66 (Starr, 1990: 41, 42, 43 & 77)	مردان/نیروهای (اهل) ایشکوز LÚiš-ku-za-a-a	سکایی
نیشته SAA 71 (r.3') Starr, 1990: ) (79)	نیروهای (اهل) ایشکوز LÚ.ERIM.MEŠiš-ku-za-a-a	
<b>روزگار آشوربانیپال (۶۳۱-۶۶۸ پ.م.)</b>		
منشور E <sub>1</sub> (vi-23) Novotny & ) (Jeffers, 2018: 50)	[شاه/مرد] (اهل) [گی] میر ز [LÚ.gi]-mir'-ra-a-a	گیمری
منشور B(ii-92) Novotny & Jeffers, ) (2018: 62)	شاه/مرد (اهل) گیمر LÚ.gi-mir-a-a	گیمری
منشور B(iii-92) Novotny & ) (Jeffers, 2018: 65)	(اهل) مَد Mad-aa	مادی
منشور D(ii-67) Novotny & ) (Jeffers, 2018: 87)	شاه/مرد (اهل) گی میر LÚ.gi-mir'-a-a	گیمری



نام منبع و زمان آن	نام در منبع	نام جمعیت-سرزمین و نام فرد
منشور D(iii-16) / احتمالاً ۶۴۷ پ.م. (Novotny & Jeffers, 2018: 89)	[اهل] مَد [Mad-aa]	مادی
حدود ۶۵۳ پ.م. Wiseman, 2023, <i>Encyclopedia Britannica</i> : Ashurbanipal	(اهل) ایشکوز Is-ku-za-a-a	سکایی
نیشته ۶ (iv-1) / احتمالاً ۶۴۷ پ.م. (Novotny & Jeffers, 2018: 121)	[شاه/مرد (اهل) گیمیر] [LÚ.gi-mir-a-a]	گیمیری
نیشته ۶ (v-6) / احتمالاً ۶۴۷ پ.م. (Novotny & Jeffers, 2018: 123)	(اهل) مَد [Mad-aa]	مادی
نیشته ۱۹۶ (Rev. 13) ۶۴۲-۶۴۴ پ.م. (Jeffers & Novotny, 2023: 251)	سپاهی (دسته) مَد ERIM-man-da	مانتایی یا گیمیری؟
منشور CMD(iii-24) (Novotny & Jeffers, 2018: 146)	شاه/مرد (اهل) گیمیر LÚ.gi-mir-a-a	گیمیری
منشور G(iv-22) (Novotny & Jeffers, 2018: 170)	“(اهل) مَد” “Mad-aa”	مادی
منشور F(ii-16) (Novotny & Jeffers, 2018: 195)	شاه/مرد (اهل) گیمیر LÚ.gi-mir-a-a	گیمیری
منشور A یا منشور رسام (ii-104, 108, 119) (Novotny & Jeffers, 2018: 237 & 238)	شاه/مرد (اهل) گیمیر LÚ.gi-mir-a-a	گیمیری
نیشته ۲۱ (19') / پیرامون ۶۳۸ پ.م. (Novotny & Jeffers 2018: 291)	سپاهی (دسته) مَد ERIM-man-da	گیمیری
نیشته ۲۱ (20') / پیرامون ۶۳۸ پ.م. (Novotny & Jeffers, 2018: 291)	سرزمین (اهل) مَت KUR <sup>ma</sup> -ta-a-a	مادی
نیشته ۲۲۶ (20) / اواخر حکومت آشوربانیپال (Jeffers & Novotny, 2023: 337)	سپاهی (دسته) مَد ERIM-man-da	گیمیری
<b>روزگار نویلرسر نوبابلی (۶۰۵-۶۲۶ پ.م.)</b>		
لوح سقوط نینوا (۶۱۲ پ.م.) (Gadd, 1923: 33, 34, 35 & 36; Grayson, 1975: 94; Chronicle 3, 35 & 96: 65)	قلمرو (اهل) مَد mat <sup>ma</sup> -da-a-a شاه نیروی مَد šarriumman-man-da قلمرو نیروی مَد mat <sup>umman</sup> -man-da نیروی-مَد umman-man-da	مادی

نام جمعیت-سرزمین و نام فرد	نام در منبع	نام منبع و زمان آن
روزگار نیونئید (۵۳۹-۵۵۵ پ.م.)		
مادی	شاه نیروی ماند LUGAL <i>um-man-ma-an-da</i> مرد(ان) (سپاهی/دسته) مند LÚ.ÉRIM-man-da سپاهی (دسته) مندو ÉRIM-man-du	نشته ۳ (ii-3', 14'; x-14')، نشته ۲۸ (i-11) (Weiershäuser & Novotny, 2020: 62; 70 & 147)
روزگار کوروش بزرگ (۵۳۰-۵۵۹/۵۶۰ پ.م.)		
مادی	نیروی مند <i>um-man-man-da</i>	استوانه کوروش بزرگ / ۵۳۹ پ.م. (Rogers, 1914: 381: 13; Adali, 2009: 211)
روزگار داریوش بزرگ (۴۸۶-۵۲۲ پ.م.) در کتیبه بیستون (۵۲۰/۵۲۱ پ.م.)		
مادی	۱. ماد در پارسی <i>māda</i> ۲. مد در ایلامی روزگار هخامنشی <i>ma-da</i> (در برخی از الواح به صورت <i>ma-da(- ma-ad-da)</i> (be) <i>ma-taš</i> آمده است) ۳. (اهل) مد در اکدی نوبابی <i>ma-da-a-a</i> (در الواح و کتیبه‌های دیگری به صورت <i>ma-da- a</i> و <i>mad-da-a-a</i> آمده است) ۴. م دی (مادی) در آرامی <i>mdy</i> ۵. در زبان لیکایی: <i>mede</i> ۶. در هیروگلیف مصری: <i>M<sup>c</sup>-d-y</i>	Tavernier (2007: 27, 61, 62, 72, 73, 75)
سکایی	۱. سک در پارسی <i>saka</i> ۲. شک در ایلامی روزگار هخامنشی <i>šá-ak-ka<sub>4</sub></i> (در یک لوح به صورت <i>šá-ka<sub>4</sub>-iš</i> آمده است) ۳. با گیمیری یکسان دانسته شده است <i>gi-mi-ri</i> (در یک جا، به صورت صحیح و مستقل از گیمیری <i>sak-ka-a-a</i> آمده است) ۴. در هیروگلیف مصری: <i>Š-sk-k</i> و <i>Š<sub>3</sub>-g</i>	
گیمیری	در نسخه بابل نو، با سکایی یکسان دانسته شده است. مشابه آن در دوره خشایارشا نیز رخ داد.	(ملبرن-لا، ۱۳۸۸: ۱۴)

## ۱۰. نتیجه‌گیری

در نهایت و پیرو مستندات برجای مانده از سرآغاز پیدایی مادی‌ها، گیمیریان و سکاها در مستندات مکتوب منطقه، مستقل از هم یاد شده‌اند. در این میان، مادی‌ها پیش و بیش از هر جمعیتی از مردمان هزاره یکم پیش از میلاد در منطقه، با نام *مَند*، *مَاند* و *مَندو* مورد اشاره قرار گرفته‌اند. اینکه چرا دو شاه گیمیری، از سوی آشوریان، *مَند* و *مَندو* خطاب شده‌اند، به علت قوی‌تر ماندن نشان دادن هویت و فرهنگ آن جمعیت در سطح مادی‌ها و به منظور تحقیر (از دید آشوریان) بوده است. همچنین نبود تفاوت قابل ملاحظه میان مؤلفه‌های ظاهری و تباری این دو جمعیت می‌توانسته دلیل دیگر باشد، اما نکته مهم این است که در هزاره یکم پیش از میلاد، این سرزمین و هویت مادی‌ها بوده است که برای نخستین بار با واژه *مَند* توصیف شده و این مسئله تا روزگار نوبابلیان و نیز استوانه کوروش بزرگ ادامه داشته است. با توجه به اینکه در کتیبه «سقوط نینوا»، کشور ماد *ma-da-a*<sup>mat</sup> درست برابر با *umman-man-da*<sup>mat</sup> آورده شده است، به روشنی می‌توان دریافت که با انتساب واژه سرزمین‌ساز *māt* به ترکیب دوم، در ادبیات اکدی زمانه مورد بحث، کلیت *umman-man-da* برابر با *ma-da-a* قرار می‌گرفته است و از این رو، *مَند* یک صفت عام یا زنده چون بربر (موارد آمده در Leichty, 2011 و Weiershäuser & Novotny, 2020) نیست، بلکه به‌طور مستند، بیانگر هویت تباری مردمان مادی در زبان و ادبیات اکدی بوده است.

## منابع

- پاتس، دانیل توماس (۱۴۰۰). نگاهی نو به تاریخ ماد. ترجمه منیر وزیری. سندج: دانشگاه کردستان.
- تورات (۱۸۹۵ م.). ترجمه رابرت بروس و کاراپت اوهانس. تهران: نشر مؤلف.
- جلیلیان، شهرام (۱۴۰۰). بنیاد شهریاری در تاریخ ماد. *پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، ۱۰(۱)، ۷۷-۱۰۰.
- جلیلیان، شهرام و حیدرزاده، محمد (۱۳۹۶). *تاریخ ماد به گزارش دانشنامه ایرانیکا*. اهواز: دانشگاه چمران اهواز.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ. (ترجمه ۱۳۴۵). *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سوزینی، فرانسواز؛ کلاریس هرن اشمیت و فلورنس ملبرن-لابا (۱۳۸۷). *سنگ‌نشته داریوش بزرگ در بیستون (عیلامی-هخامنشی)*. ترجمه داریوش اکبرشارپزاده. تهران: پازینه.
- شارپ، رلف نارمن (۱۳۸۴). *فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی*. چاپ دوم. تهران: پازینه.

- علی‌یاری بابلقانی، سلمان (۱۳۹۴). *تحریر ایلامی کتیبه داریوش بزرگ در بیستون*. تهران: مرکز علی‌یف، اقرار (۱۳۸۸). *پادشاهی ماد*. ترجمه کامبیز میربهاء. تهران: نشر ققنوس.
- فیروزی، سورنا، مهرآفرین، رضا و موسوی حاجی، سید رسول (۱۴۰۰). *گرزین، آگری‌یش، زرک/قولی‌یش، سورگینی‌یش، هاندکی‌یش، مونی و اومن-مند؛ چالش متون میان‌رودانی و ایرانی تباران در فلات ایران*. *جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام*، ۶(۲)، ۹۱-۱۰۸. ملازاده، کاظم (۱۳۹۳). *باستان‌شناسی ماد*. تهران: سمت.
- ملازاده، کاظم و طاهری دهکردی، معصومه (۱۳۹۰). *تاریخچه، جایابی و ساختار هگمتانه مادی*. *مطالعات شهر ایرانی-اسلامی*، ۶، ۵-۱۶.
- ملازاده، کاظم و طاهری دهکردی، معصومه (۱۳۹۲). *مطالعه جغرافیای تاریخی ماد پیش از تشکیل پادشاهی و گسترش آن (۸۳۵-۶۷۲ ق.م.)*. *تاریخ اسلام و ایران*، ۲۰، ۱۴۳-۱۶۵.
- ملازاده، کاظم و طاهری دهکردی، معصومه (۱۳۹۴). *مطالعه جغرافیای تاریخی ماد پس از تشکیل پادشاهی و گسترش آن (۶۱۲-۵۵۰ ق.م.)*. *تاریخ اسلام و ایران*، ۲۸، ۲۷۳-۳۰۰.
- ملبرن-لابا، فلورانس (۱۳۸۸). *سنگ‌نیشته داریوش بزرگ در بیستون (رونوشت اکدی-بابلی)*. ترجمه داریوش اکبرزاده. تهران: پازینه.
- Adali, S. F. (2009). *Ummān-manda and its Significance in the First Millennium B.C*, Doctor of Philosophy, Faculty of Arts, Department of Classics and Ancient History, University of Sydney.
- Adali, S. F. (2010). "Tugdamme and the Cimmerians: A Test of Piety in Assyrian Royal Inscriptions". In: *Time and History in the Ancient Near East Proceedings of the 56<sup>th</sup> Rencontre Assyriologique Internationale at Barcelona*, 26-30 July, edited by L. Feliu, J. Llop, A. Millet Albà & J. Sanmartín, 2013, pp. 587-594, Winona Lake, Eisenbrauns.
- Adali, S. F. (2011). *The Scourge of God: The Umman-Manda and Its Significance in the First Millennium BC* *State Archives of Assyria Studies* 20. Helsinki: The Neo-Assyrian Text Corpus Project.
- Bailey, H. W. (1958). "Languages of the Saka", In: *Linguistik (HdO 1/4/1)*, Leiden, 131-154.
- Boucharlat, R. (1998). "À la recherche d'Ecbatane sur Tepe Hegmataneh", *Iranica Antiqua*, 33, 173-186.
- Boucharlat, R. (2011). "The Pottery from the Mannean site of Qalaichi", *IA*, 43, 2008, pp. 107-125. *Abstracta Iranica. Revue bibliographique pour le domaine irano-aryen* (Vol. 31).
- Degen, J., & Rollinger, R. (2020). How Greek the Medes were? Herodotus' medikos logos, Athens and the transformation of empire from symmachia

- to arche". In: S. Badalkhan, G. P. Basello, and M. De Chiara (eds.), *Iranian Studies in Honour of Adriano V. Rossi*. pp. 273–289. Naples: Unior Press.
- Diakonoff I. M. (1985). "Media", In: I. Gershevitch (ed.), *The Cambridge History of Iran 2: The Median and Achaemenian Periods*, pp. 36-148. Cambridge: Cambridge University Press.
- Diodorus Siculus, *Library of History, Volume I: Books 1-2.34*, translated by C.H. Oldfather, *Loeb Classical Library 279*, Cambridge, MA, 1933, available at (2022): [https://penelope.uchicago.edu/Thayer/e/roman/texts/diodorus\\_siculus/2a\\*.html](https://penelope.uchicago.edu/Thayer/e/roman/texts/diodorus_siculus/2a*.html)
- Eusebius, *Chronicle*, English translation version, attalus organization, available at (2022): <http://www.attalus.org/translate/eusebius4.html#7>
- Fales, F.M., & Lanfranchi. G. B. (1981). "The Role of the Cimmerians in a Letter to Esarhaddon, *East and West* 31, 9-33.
- Frahm, E. (2023). *Assyria: The Rise and Fall of the World's First Empire*, New York: Bloomsbury.
- Frame, G. (2021). *Royal Inscriptions of Sargon II, King of Assyria (721-705) (Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period 2)*, University Park: Eisenbrauns.
- Fuchs, A. (2011). "Das Osttigrisgebiet von Agum II. bis zu Darius I. (ca. 1500 bis 500 v. Chr.)". In: P.A. Miglus, S. Mühl (eds.), *Between the Cultures: The Central Tigris Region from the 3<sup>rd</sup> to the 1<sup>st</sup> Millennium BC Heidelberg Studien zum Alten Orient 14*. pp. 29–320. Heidelberg: Heidelberg Orientverlag.
- Fuchs, A. (2023). "The Medes and the Kingdom of Mannea", In: K. Radner, N. Moeller, D. T. Potts (eds.), *The Oxford History of the Ancient Near East 4: The Age of Assyria*, pp. 674-768. New York, Oxford University Press.
- Gadd, C.J. (1923). *The Fall of Nineveh, The newly discovered Babylonian chronicle, No. 21,901, in the British museum*, London: Oxford University Press.
- Genito, B. (1986). "The Medes A Reassessment of the Archaeological Evidence", *East and West*, 36(1/3), 11-81.
- Gershevitch, I. (1969). "Amber at Persepolis". In: *Studia Classica et Orientalia Antonino Pagliaro Oblata*. Vol. 2, Roma, 167-251.
- Glaesser, G. (1976). "Review of I.A. Grantovsku", Moskva, Origin article in: 1972, *East and West* 26, 266-270.
- Gopnik, H. (2003). "The Ceramics from Godin II in the Late 7th to Early 5th Centuries BC". In: *Continuity of Empire: Assyria, Media, Persia (?)*, G. Lanfranchi, M. Roaf & R. Rollinger (eds.), pp. 249-267. Padova: Sargon Editrice e Libreria.

- Gopnik, H. (2011). "The Median citadel of Godin Period II". In: H. Gopnik, & M. S. Rothman (eds.), *On the High Road: The History of Godin Terpe, Iran*. pp. 285–364. Costa Mesa: Mazda Publishers.
- Gopnik, H. (2017). "The Median Confederacy". In: *King of the Seven Climes, A History of the Ancient Iranian World (3000 BCE - 651 CE)*, Ancient Iran Series, Vol. IV, pp. 39-62. UCI, Jordan Center for Persian Studies, Brill.
- Grayson, A. K. (1975). *Assyrian and Babylonian Chronicles (Text from Cuneiform Sources 5)*, New York: J.J. Augustin.
- Grayson, K. A., & Novotny, J. (1996). *The Royal Inscriptions of Sennacherib, King of Assyria (704-681 BC), Part 1 (Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period 3/1)*, Winona Lake: University of Toronto Press.
- Gufler, B. (2016). "Deiokes, Ekbatana und das Land der Meder". *Kaskal*, 13, 185–207.
- Henkelman, W. F. M. (2003). "Persians, Medes and Elamites: acculturation in the Neo- Elamite period". In: G. B. Lanfranchi, M. Roaf, & R. Rollinger (eds.), *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia History of the Ancient Near East/Monographs 5*. pp. 181–231. Padova: Sargon Editrice e Libreria.
- Hennerbichler, F. (2014). "The Origin of Kurds", *Advances in Anthropology*, 2(2), 64-79.
- Heubeck, A. (1963). "Kimmepioi", *Hermes*, 91, 490-92.
- Homer. (1999). *Odyssey*. Translated to English by Samuel Butler, The Project Gutenberg eBook of The Odyssey, by Homer, Available at (2022): <https://gutenberg.org/files/1727/1727-h/1727-h.htm#chap11>.
- Ivantchik, A. (1993). *Les Cimmériens au Proche-Orient*, Göttingen.
- Ivantchik, A. (1996). *The Cimmerians: Ancient eastern civilizations and steppe nomads in the 8<sup>th</sup>-7<sup>th</sup> centuries BCE*, Moscow.
- Ivantchik, A. (2005). "Le dêmos et la polis des Cimmériens dans l'Odyssee (XI, 14): le contenu de l'image épique". In: Kacharava, D., Faudot, M., & Geny, É. (eds.), *Pont-Euxin et Polis: Polis Hellenis et Polis Barbaron*, pp. 83-98. (Besançon).
- Ivantchik, A. (2012). "Cimmerians". *Encyclopedia of the Bible and its Reception*, 5, 323-24.
- Jeffers, J. & Novotny, J. (2023). *The Royal Inscriptions of Ashurbanipal (668-631 BC), Aššur-etel-ilāni (630-627 BC), and Sîn-šarra-iškun (626-612 BC), Kings of Assyria, Part 2 (Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period 5/2)*, University Park: Eisenbrauns.
- Jursa, M. (2003). "Observations on the problem of the Median "Empire" on the basis of Babylonian sources". In: G. B. Lanfranchi, M. Roaf & R. Rollinger (eds.), *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia History*

- of the Ancient Near East/ Monographs 5*. pp. 169–179. Padova: Sargon Editrice e Libreria.
- Kent, R. G. (1950). *Old Persian, Grammar, Texts, lexicon*, New Haven, Connecticut: American Oriental Society.
- Kienast, B. (1999). "The so-called 'Median Empire'". *Bulletin of the Canadian Society for Mesopotamian Studies*, 34, 59–67.
- Lanfranchi, G. B. (1990). *I Cimmeri: Emergenza delle élites militari iraniche nel Vicino Oriente (VIII-VII sec a.c.)*, HANE/S 2. Padova: Sargon Editrice e Libreria.
- Lanfranchi, G. B. (2002). "The Cimmerians at the Entrance of the Netherworld. Filtration of Assyrian Cultural and Ideological Elements into Archaic Greece". *Atti e Memorie dell'Accademia Galileiana di Scienze, Lettere ed Arti Parte III: Memorie della Classe di Scienze Morali, Lettere ed Arti*, 94, 75–112.
- Lanfranchi, G. B. (2021). "Training for Empire: the Assyrian Pressure on Western Iran (IX<sup>th</sup>–VII<sup>th</sup> cent. BC)". In: T. Daryaei and R. Rollinger (eds.), *Iran from the beginnings to the Achaemenid-Persian Empire (Proceedings of the First and Second Payravi Conference on Ancient Iranian History)*. Classica et Orientalia, Wiesbaden: Harrasowitz, in press.
- Lanfranchi, G. B., (2003). "The Assyrian Expansion in the Zagros and the Local Ruling Elites". In: G.B. Lanfranchi, M. Roaf & R. Rollinger (eds.), *Continuity of Empire(?) Assyria, Media, Persia (History of the Ancient Near East / Monographs 5)*, pp. 79-118. Padova Padova: Sargon Editrice e Libreria.
- Leichty, E. (2011). *The Royal Inscription of Esarhaddon, King of Assyria (680-669 BC) (Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period 4)*, Winona Lake: Eisenbrauns.
- Liverani, M. (1995). "The Medes at Esarhaddon's court", *Journal of cuneiform studies*, 47(1), 57-62.
- Liverani, M. (2003). "The rise and fall of media". In: G.B. Lanfranchi, M. Roaf, and R. Rollinger (eds.), *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia History of the Ancient Near East/Monographs 5*. pp. 1–12. Padova: Sargon Editrice e Libreria.
- Luckenbill, D. D. (1927). *Ancient Records of Assyria and Babylonia*. Vol. 2, Chicago: University of Chicago press.
- Matthew, W. (2017). *Ctesias' Persica in Its Near Eastern Context*. Wisconsin: The University of Wisconsin Press.
- Meier, M., Patzek, B., Walter, U., & Wiesehöfer, J. (2004). *Deiokes, König der Meder. Eine Herodot-Episode in ihren Kontexten*, Munich: Franz Steiner Verlag.

- Novotny, J. (2023). "Ashurbanipal, son of Esarhaddon, king of Assyria, 668–c. 631 BCE." In: *Oxford Classical Dictionary*. Oxford University Press, 2015—. Article published July 19,.
- Novotny, J., & Jeffers, J. (2018). *The Royal Inscriptions of Ashurbanipal (668–631 BC), Aššur-etel-ilāni (630–627 BC), and Sîn-šarra-iškun (626–612 BC), Kings of Assyria, Part 1 (Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period 5/1)*, University Park: Eisenbrauns.
- Panaino, A. (2003). "Herodotus I, 96-101: Deioces' conquest of power and the foundation of sacred royalty". In: G.B. Lanfranchi, M. Roaf, & R. Rollinger (eds.), *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia History of the Ancient Near East/ Monographs 5*. pp. 327–338. Padova: Sargon Editrice e Libreria.
- Parpola S. (1970). *Neo-Assyrian Toponyms (Alter Orient und Altes Testament 6)*, Kevelaer: Neukirchen-Vluyn. 1970.
- Pinches, T.G. (1913). "Sargon's Eighth Campaign", *The Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, 581-612.
- Postgate J. N. (1989). "Mannäer", *Reallexikon Der Assyriologie Und Vorderasiatischen Archaologie 7 5./6.*, 340-342..
- Pritchard, J. B. (1969). *Ancient Near Eastern Texts relating to Old Testament*, 3<sup>rd</sup> edition with supplement, Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Radner K. (2003). "An Assyrian View on the Medes". In: G.B. Lanfranchi, M. Roaf & R. Rollinger (eds.), *Continuity of Empire(?) Assyria, Media, Persia (History of the Ancient Near East / Monographs 5)*, pp. 37–64. Padova: Sargon Editrice e Libreria..
- Roaf, M. (2003). "The Median dark age". In: G.B. Lanfranchi, M. Roaf & R. Rollinger (eds.), *Continuity of Empire(?) Assyria, Media, Persia (History of the Ancient Near East / Monographs 5)*. pp. 13–22. Padova: Sargon Editrice e Libreria.
- Rogers, R. W. (1912). *Cuneiform Parallels to the Old Testament*. Ph.D. Dissertation, London: Oxford University Press.
- Rollinger, R. (2003a). "The Western expansion of the Median "Empire": a re-examination". In: G.B. Lanfranchi, M. Roaf & R. Rollinger (eds.), *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia History of the Ancient Near East/ Monographs 5*. pp. 289–320. Padova: Sargon Editrice e Libreria.
- Rollinger, R. (2003b). "Kerkenes Dag and the Median "Empire". In: G.B. Lanfranchi, M. Roaf & R. Rollinger (eds.), *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia History of the Ancient Near East/ Monographs 5*. pp. 321–326. Padova: Sargon Editrice e Libreria.



- Rollinger, R. (2005). "Das Phantom des Medischen 'Großreiches' und die Behistun- Inschrift". In: E. Dabrowa (ed.), *Ancient Iran and its Neighbours: Studies in Honour of Prof. Józef Wolski on Occasion of his 95th Birthday Electrum 10*. pp. 11–29. Kraków: Jagiellonian University Press.
- Rollinger, R. (2009). "The Median "Empire", the end of Urartu and Cyrus' the Great campaign in 547 BC (Nabonidus chronicle II 16)". *Ancient West & East* 7, 49–63.
- Rollinger, R. (2010). "Das medische Königtum und die medische Suprematie im sechsten Jahrhundert v. Chr". In: G.B. Lanfranchi & R. Rollinger (eds.), *Concepts of Kingship in Antiquity: Proceedings of the European Science Foundation Preparatory Workshop Held in Padova, November 28<sup>th</sup> – December 1<sup>st</sup>, 2007 (History of the Ancient Near East/Monographs 10)*. pp. 63–85. Padova: Sargon Editrice e Libreria.
- Rollinger, R. (2011). "Ktesias' Medischer Logos". In: J. Wiesehöfer, R. Rollinger & G.B. Lanfranchi (eds.), *Die Welt des Ktesias – Ctesias' World, Classica et Orientalia 1*. pp. 313–350. Wiesbaden: Harrassowitz.
- Rollinger, R. (2020). "The Medes of the 7th and 6th c. BCE: a short-term empire or rather a short termed confederacy?". In: R. Rollinger, J. Degen & M. Gehler, (eds.), *Short-termed empires in world history Universal- und kulturhistorische Studien/ Studies in Universal and Cultural History*. pp. 187–211. New York: Springer.
- Rollinger, R. (2021). "The Median Dilemma". In: B. Jacobs & R. Rollinger (eds.), *A Companion to the Achaemenid Persian Empire*, 2 volumes (Blackwell Companions to the Ancient World), p. 337-350. Malden: John Wiley & Sons.
- Sancisi-Weerdenburg, H. (1988). "Was there ever a Median Empire?". In: A. Kuhrt, H. Sancisi-Weerdenburg (eds.), *Method and Theory: Proceedings of the London 1985 Achaemenid History Workshop Achaemenid History 3*. pp. 197–212. Leiden: Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten.
- Sancisi-Weerdenburg, H. (1995). "Medes and Persians in early states?". In: M.A. van Bakel & J.G. Oosten (eds.), *The Dynamics of the Early State Paradigm*. pp. 87–104. Utrecht: ISOR.
- Schmitt, R. (2003). "Die Sprache der Meder – eine große Unbekannte". In: G.B. Lanfranchi, M. Roaf & R. Rollinger (eds.), *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia History of the Ancient Near East/Monographs 5*. pp. 23–36. Padova: Sargon Editrice e Libreria.
- Spalinger, A.J. (1978). "The Date of the Death of Gyges and Its Historical Implications," *Journal of the American Oriental Society*, 98, 400-409.

- Starr, I. (1990). *Queries to the Sungod, Divination and politics in Sargonid Assyria*, State Archives of Assyria, Vol. IV, Helsinki: Helsinki University Press.
- Stol, M. (2014). "Ummā-manda", *Reallexikon Der Assyriologie Und Vorderasiatischen Archaologie* 14 3./4., pp. 330-31.
- Stronach, D. (2003). "Independent Media: Archaeological notes from the homeland". In: G.B. Lanfranchi, M. Roaf & R. Rollinger (eds.), *Continuity of Empire(?) Assyria, Media, Persia*, pp. 233-248. Padova: Sargon Editrice e Libreria.
- Szemerényi, O. (1951). "Iranica", *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, 101, 197-219.
- Tadmor, H. (1989). *The Sin of Sargon and Sennacherib's Last Will*, State Archives of Assyria Bulletin III/1, Helsinki: Helsinki University Press..
- Tadmor, H.; Yamada, S. (2011). *The Royal Inscriptions of Tiglath-pileser III (744-727 BC) and Shalmaneser V (726-722 BC), Kings of Assyria (Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period 1)*, Winona Lake: Eisenbrauns.
- Tavernier, J. (2007). *Iranica in the Achaemenid Period (ca. 550-330 B.C.), lexicon of Old Iranian proper names and loanwords, attested in non-Iranian texts*, Peeters Publishers & Department of Oriental Studies, Leuven.
- Terenozhkin, A. I. (1976). *Kimmeriütsy*, Kiev.
- Tokhtas'ev, S. R. (1984). "Kimmeriüskyayatonimiya I". In: *Ètnogenez narodov Balkan i Severnogo Prichernomor'ya*, Moscow, 142-48.
- Tokhtas'ev, S. R. (1991). "Cimmerians", In: *Encyclopædia Iranica*, Vol.6, pp. 563-567,. available at <http://www.iranicaonline.org/articles/cimmerians-nomads> (accessed on 30 December 2012).
- Tokhtas'ev, S. R. (1996). "Die Kimmerier in der antiken Überlieferung", *Hyperboreus* 2, 1-46.
- Van Windekens, A. J. (1949). "Les noms des Saces et des Scythes", *Beiträge zur Namenforschung* (1), 98-102.
- Waters, M. (2005). "Media and its discontents", *Journal of the American Oriental Society* 125 (4): 517-533.
- Weiershäuser, F., & Novotny, J. (2020). *The Royal Inscriptions of Amēl-Marduk (561-560 BC), Neriglissar (559-556 BC), and Nabonidus (555-539 BC), Kings of Babylon (Royal inscriptions of the neo-Babylonian Empire 2)*, The Pennsylvania State University: Eisenbrauns.
- Wiesehöfer, J. (2003). "The Medes and the idea of the succession of empires in antiquity". In: G.B. Lanfranchi, M. Roaf & R. Rollinger (eds.), *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia History of the Ancient Near East/Monographs* 5. pp. 391-396. Padova: Sargon Editrice e Libreria.

- Wiseman, D. J. (2023). "Ashurbanipal". *Encyclopedia Britannica*, 24 Apr., available at: <https://www.britannica.com/biography/Ashurbanipal>. (Accessed 27 August 2023).
- Xydopoulos, I. (2015). "The Cimmerians, their origins, movements and their difficulties". In: Gocha R. Tsetskhladze, A. Avram & J. Hargrave (eds.). *The Danubian Lands between Black, Aegean and Adriatic seas (7<sup>th</sup> Century B.C- 10 Century A.D)*, pp. 119-126. Oxford: Archaeopress Publishing Ltd.
- Young, T. C. (1988). "The early history of the Medes and the Persians and the Achaemenid empire to the death of Cambyses". In: J. Boardman, N. G. L. Hammond, D. M. Lewis and M. Ostwald (eds.). *The Cambridge Ancient History*, pp. 139-164. Cambridge: Cambridge University Press.
- Zadok, R. (2002). *The Ethno-linguistic Character of Northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian Period*. Tel Aviv: Archaeological Center Publications.
- Zawadzki, S. (2011–2012). "Umman-manda Revisited", *State Archives of Assyria Bulletin*, Vol. 19, 267- 278.